
پیروی از خدا
و پیروی از رسول

بسم الله الرحمن الرحیم

پیروی از خدا و پیروی از رسول

نویسنده:

مجله حوزه

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پیروی از خدا و پیروی از رسول

مشخصات کتاب

نوینسده : مجله حوزه

ناشر : مجله حوزه

مقدمه

چرا خـدا امر به پیروی از رسول داده است؟ چرا به ما امر میکنـد که به رسول ایمان بیاوریم و چرا خـدا پیامبر را پیامبر نامیـده است؟ آیا اطاعت از رسول به معنای اطاعت از قرآن است یا به معنای اطاعت از کتب حـدیث؟ آیا خدا به ما دسـتور داده است از کتبی که سخنان آن به پیامبر نسبت داده شـده است پیروی کنیم؟ اگر کسـی از شـما پرسـید پیامبرتان کیست و چی گفته است شـما به او چه جـوابی میدهیـد؟ اگر از شـما پرسـیدند یکتـاپرستی چیست شـما در جواب کـدامین سـخن پیـامبر را ذکر خواهیـد کرد؟ اگر از شـما پرسـیدند نظر پیامبر شـما راجع به پیامبر عیسـی چیست شما چه جوابی خواهید داد؟ اگر از شما پرسیدند کدامین کتاب سخنان پیامبر شماست شـما کدام کتاب را به او معرفی میکنید کتاب قرآن یا کتب حدیث؟نزدیک به یک قرن بعد از مرگ پیامبر شروع به نوشته شدن کتابهایی به اسم کتب حدیث شد. مسـلمانان کتاب قرآن را ناکافی دانسته و شروع به جمع آوری سایر گفته های پیامبر کردند غافل از اینکه پیامبر خود از قرآن پیروی میکرد و یکی از دلایل موفقیت پیامبر هم همین بود. مسـلمانان آمدنـد گفتنـد که حـدیث و سنت تشـریح کننده قرآن است به این طریق هرجا که قرآن با پیشفرضـهای ذهنی آنان نمیخواند با چند حدیث آن را تطبیق میدادند. چندی بعد از پیامبر عده ای گفتند پیامبر سایه نداشت عده ای دیگر گفتند تمام دنیا و ماوراء آن بخاطر پیامبر ساخته شده است. عده ای دیگر عرض کردنـد که پیامبر از چهار طرف میدیـد و با چشـمهای باز میخوابیـد عده ای دیگر گفتند که پیامبر در یک روز ۷۰۰ یهودی را به قتل رسانـد و....آخرین خطبه پیامبر در حضور هزاران نفر انجام شـد و این خطبه به چندین حالت مختلف در تاریخ نقل شده است. عده ای گفتند که پیامبر گفته من دو چیز برای شـما باقی میگذارم و آن هم کتابی و عترتی است و اگر به آندو متمسک شویـد منحرف نخواهیـد شـد. عده دومی گفتند که پیامبر گفته من دو چیز برای شـما باقی میگذارم و آن هم کتابی و سـنتی است و اگر به آنـدو متمسک شویـد منحرف نخواهیـد شد. عده ای دیگر گفتند که پیامبر گفته من یک چیز برای شـما باقی میگذارم و آن هم کتابی است و اگر به آن متمسک شویـد هیچوقت منحرف نخواهیـد شد. حال شـما میبینید که حرف پیامبر در حضور هزاران نفر به سه حـالت مختلف و متضـاد به ما رسـیده است و هر فرقه ای برای خود یکی را انتخاب کرده است.این در حالی است که در اکثر احادیث دیگر دو یا سه نفر دیگر حضور داشـته اند ولی این یکی هزاران نفر حضور داشـته اند ولی باز هم با وجود اینکه هزاران نفر حرف پیامبر را شـنیدند ولی در تاریخ به سه طریق مختلف و متضاد به ما رسـیده است. این برای ما ثابت میکند که اکثر احادیث دید گردآورندگان حدیث را نشان میدهد و بیشتر سیاسـی است. هزاران نفر نتوانسـتند یک حرف پیامبر را سالم برای ما منتقل کنند زیرا که کتب حـدیث از شایعـات گرد آوری شـده است و بیشـتر دیـد مردم قرن دوم و سوم هجری نسبت به دین را نشـان میدهـد و این همان دین آبا و اجـدادی است. جالب این است که شـکل سوم حدیث را هیچکدام ار فرقه ها ذکر نمیکنند زیرا که شـکل سوم فقط قرآن را توصیه میکنـد و فرقه هـای مـادرزادی را زیر سـوال میبـرد.تـا زمـانی که کتب حـدیث در میـان مسـلمین شـایع نشـده بود به پیشـرفتهای خوبی رسـیدند و در علوم روز دست آوردهای جدیدی کسب کردند اما از زمانی که تقلید شروع شد و جایی برای فکر کردن روی قرآن نماند مسـلمانان در نتیجه رو به دستنوشـته های راویان حدیث آوردند و قدرت علمی آنان یواش یواش رو به زوال نهـاد به طوریکه هر قومی به آنـان حمله میکرد از آنطرف کشور خـارج میشـد.خـدای مهربـان در جـای جـای قرآن به صور مختلف

دستور داده است که از خدا و رسول پیروی کنید همچون" اطیعوا الله و رسوله. "عده ای آمدند گفتند که خدا خودش دستور به پیروی از کتب حدیث و سنت داده است زیرا که خدا خودش میفرماید از خدا و رسول اطاعت کنید. زیرا قرآن مال خداست و کتب حدیث و سنت هم مال رسول است و هر جای کتب حدیث با قرآن متضاد بود ما دورش می اندازیم.مشکل اینجاست که پیروان حدیث فکر میکنند قرآن نماینده خداست و کتب حدیث هم نماینده رسول است. در اینجا ۴۰ دلیل را ذکر میکنم که ثابت میکنند پیروی از رسول یعنی پیروی از قرآن.

خدا و رسول

خدای مهربان در سوره توبه آیه یکم میفرماید:(۹:۱) براءهٔ من الله ورسوله الی الذین عهدتم من المشرکین(۹:۱) در این اتمام حجتی است از جانب خدا و رسولش به مشرکانی که با شما پیمان می بندند.خدا میفرماید برائت از طرف خدا و رسولش و اسم خدا را همراه اسم رسول ذکر میکند. در حالی که خدا سوره توبه را ساخته نه رسول. پس چرا خدا میگوید برائت از طرف خدا و رسولش؟ اگر به گفته پیروان حدیث باشد باید میگفت برائتی از طرف خدا زیرا که سوره مال خداست.اما واقعیت این است که خدا سوره را ساخته و رسول آن را به مردم ابلاغ میکند. در واقع ما علی الرسول الا البلاغ المبین. رسول پیام خدا را میرساند. همانطور که میدانید قرآن پیام خداست. اما مشرکان زمان پیامبر میگفتند که این را محمد ساخته است. در واقع این نشان میدهد که آنان رسول را با قرآن میشناختند. همه حرفشان از پیام جدیدی بود که او آورده بود. خدا که خودش پایین نیامده تا قرآن را به مردم ابلاغ کند. بلکه این وظیفه بر عهده رسول است. در واقع اینکه خدا فرموده اطیعوالله و اطیعوالرسول به معنای دو اطاعت موازی نیست. زیرا که پیام رسول همان پیام خداست زیرا رسول وظیفه دیگری غیر از آن ندارد. اما پیروان حدیث بین پیام خدا و پیام رسول تفرقه انداخته اند بطوریکه قرآن را به خدا و کتب حدیث را به رسول نسبت داده اند. به این طریق خدا حرفی میزند و رسول حرفهایی دیگر.

شاعر

مشرکین پیامبر را با قرآن میشناختند و الا قبلا که خیلی او را در کوچه و بازار میدیدند. به خاطر قرآن بود که به او میگفتند شاعر دیوانه. مشرکان میگفتند قرآن سحر و جادوی پیامبر است نمیگفتند که حدیث های او به جز قرآن سحر و جادوست. نزدیک به ۳۳۲ جمله اساسی قرآن با قل شروع میشود و خدا به پیامبر دستور میدهد که این را بگو و پیامبر محمد هم همانها را میگفت و اینها بهترین جملاتی است که پیامبر میتوانسته گفته باشه و پیروی از رسول یعنی همین. یعنی پیروی از قرآن. زیرا که مشرکین اصلا قبول نداشتند که این کتاب از طرف خداست پس به او میگفتند که محمد شاعر دیوانه است.اگر واقعا و الله وکیلی کسی میخواهد از رسول پیروی کنید من چندین سخن پیامبر در قرآن را که با قل شروع میشود را ذکر میکنم و شما از آن پیروی کنید و این بهترین حرفی است که پیامبر محمد میتوانست زده باشد.(۱۱۲:۱) اعلام کن": اوست یگانه و تنها خدا.(۱۱۲:۲") خدای مطلق.(۱۱۲:۳) "هرگز نزاده و هرگز زاییده نشده است.(۱۱۲:۴") احدی همتای او نیست".

حدیث پیامبر را اذیت میکند

واقعیت این است که کاتبان حدیث پیش مردم میرفتند و میگفتند که پیامبر چی گفته است؟ و این در حالی بود که دویست سال و حتی بیشتر با پیامبر اختلاف زمانی داشتند. مثل این است همین حالا کسی بیاید از شما بپرسد در زمان قاجار چه خبر بود!!راویان حدیث پیش فرد میرفتند و او هم با ذکر سلسله مراتب پدر مادری خود جمله ای میگفت و او را به پیامبر نسبت میداد و این دقیقا مثل قصه های قدیمی است که نسل به نسل از مادر بزرگ و پدربزرگهایمان به ما رسیده است و تقریبا چیزی شبیه به نصیحت و

افسانه.خـدای مهربان صـراحتا اعلام میـدارد که در خانه پیامبر به حدیث نپردازید زیرا حدیث او را اذیت میکند.(۳۳:۵۳) یاایها الذین اءمنوا لاـ تـدخلوا بیوت النبی الاـ ان یؤذن لکم الی طعـام غیر نظرین انه ولکن اذا دعیتم فادخلوا فاذا طعمتم فانتشـروا ولا مستءنسین لحدیث ان ذلکم کان یؤذی النبی فیستحی منکم والله لا یستحی من الحق واذا سالتموهن متعا فسءلوهن من وراء حجاب ذلکم اطهر لقلـوبکم وقلوبهن ومـا کـان لکم ان تؤذوا رسول الله ولاـ ان تنکحوا ازوجه من بعـده ابـدا ان ذلکم کـان عنـد الله عظیمـا(۳۳:۵۳) ای کسـانی که ایمان داریـد، به منازل پیامبر وارد نشویـد مگر آنکه برای خوردن غـذا اجازه داشـته باشـید و نبایـد او را به چنین دعوتی وادار کنیـد. اگر دعوت شدید، می توانید وارد شوید. هنگامی که غذا خوردید، بروید؛ او را با صـحبت های طولانی مشـغول نکنید. این کـار پیامبر را آزار می داد و او خجالت می کشـید که به شـما بگویـد، اما خـدا از حقیقت شـرم نـدارد. اگر لازم شـد از زنان او چیزی بخواهید، از پشت حایلی از آنها سئوال کنید. این برای قلب های شما و قلب های آنها منزه تر است. باعث ناراحتی رسول خدا نشوید. پس از او با زنانش ازدواج نکنید، زیرا این از نظر خدا گناهی بزرگ خواهد بود.

تکذیب پیامبر

تکـذیب پیامبر به معنای تکذیب قرآن است. مشـرکین که پیامبر را قبول نداشـتند به خاطر پیام قرآن بود.(۳۴:۳۴) وما ارسلنا فی قریهٔ من نـذیر الا قال مترفوها انا بما ارسـلتم به کفرون(۳۴:۳۴) هر بار که هشداردهنـده ای برای جامعه ای فرسـتادیم، پیشوایان آن جامعه گفتند": ما پیامی را که با تو فرستاده شده است، تکذیب می کنیم".

حق و باطل

خدای مهربان میفرماید" اطیعوا الرسول "نه" اطیعوا محمد."و این به آن دلیل است که پیام پیامبر باید اطاعت شود نه مسائل شخصی او. در اوایل سوره محمـد خـدای مهربان به طور بسـیار جالبی اعلام میـدارد که حق چیست و باطل چیست!(۴۷:۱) کسانی که ایمان نمی آورنـد و از راه خـدا بازمی دارند، او اعمالشان را باطل می کند.(۴۷:۲) کسانی که ایمان دارنـد و اعمال پرهیزکارانه انجام می دهند و به آنچه بر محمد نازل شد- که حقیقتی است از جانب پروردگارشان- ایمان می آورند، او گناهانشان را می بخشد و به آنها رضایت خاطر عطا می کند.(۴۷:۳) زیرا کسانی که ایمان نیاوردند از باطل پیروی می کنند، ولی کسانی که ایمان آوردند از حقیقتی که از جانب پروردگارشان آمـده است، پیروی می کننـد. خـدا این چنین آنها را برای مردم مثال می زند.همانطور که میبینید در این سوره که اتفاقـا اسم سوره محمـد است سه خصوصـیت برای مومنـان ذکر شـده است و آن این است:الف - کسـانی که ایمان دارند وب- اعمال پرهیزکارانه انجام می دهنـد وج- به آنچه بر محمـد نازل شـد ایمان می آورنـدو در ادامه میفرمایـد که این حق است از طرف خـدا. و جالب این است که در آیه بعـدی میفرمایـد کافرین از باطل پیروی میکننـد. در واقع خدای مهربان اعلام میدارد که از آنچه که بر محمد نازل شده است پیروی کنید و این دقیقا همان پیروی از رسول است.

پیروی از خدا و پیروی از رسول

زمانی که خـدا میفرمایـد" اطیعوالله و اطیعوا الرسول "پیروان حـدیث انتظار دارنـد که خدا یک منبع داشـته باشد و رسول هم منابعی دیگر داشـته باشـد.به همین خـاطر زمـانی که به آنان میگوییـد از حـدیث پیروی نکنیـد فورا در جواب میگوینـد که مگر خـدا نگفته اطیعوا الرسول. بعد میگویند که پس شما که از کتب حدیث پیروی نمیکنید رسول را رد کرده اید.!!!! غافل از اینکه پیروی از رسول یعنی پیروی از قرآن. کسی که از قرآن پیروی کند در واقع و صددرصد از رسول پیروی میکند.من چند مثال را از خود قرآن در این رابطه ذکر میکنم:مثـال یـک:خـدای قـادر توانـا در سوره مجادله ابتـدا یک سـری احکام راجع به طلاق ذکر میکنـد و سـپس در آیه

چهارم بیان میدارد که این احکام برای کسانی است که به خدا و رسول ایمان دارند و در ادامه میفرماید این حدود خداست و باید اجرا شود و در آیه بعدش در ادامه میگوید که کسانی که حدود خدا را اجرا نکنند با خدا و رسول جنگیده اند.همانطور که میبینیم احکام را خود خدا بیان میکند و سپس میگوید که این احکام برای کسانی است که به خدا ورسول ایمان دارند و در ادامه میفرماید که کسانی که این احکام را اجرا نکنند با خدا و رسول جنگیده اند. همانطور که میبینید همه اش راجع به خود قرآن است و از کتب حدیث حرفی به میان نیامده است.مثال دو:در سوره طلاق خدای مهربان ابتدا احکام را بیان میدارد سپس در ۶۵:۱۱ اعلام میدارد که این آیات خداست که رسول بیان میدارد و در واقع به این طریق اعلام میدارد که رسول نماینده خداست و شما باید از رسول اطاعت کنید زیرا که خدا از طریق رسول احکامش را بیان میدارد.۷- خدا از غیبت خوشش نمیایدپیروان حدیث پشت سر پیامبر حرف میزنند و هزاران تهمت و حرف برای او درست میکنند بطوریکه میگویند او سایه نداشت و توانایی جنسی او برابر با سی مرد است و تمام دنیا برای او آفریده شده است و... خدا آنان را از این کار نهی فرموده:(۵۸:۹) ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر مجبور شدید که مخفیانه مشورت کنید، نباید برای گناه کردن، ستمگری و نافرمانی از رسول مشورت کنید. باید در جهت پرهیزکاری و تقوا با یکدیگر مشورت کنید. هیبت و حرمت خدا را ارج نهید، یکتایی که نزد او احضار خواهید شد.(۵۸:۱۰) توطئه مخفیانه ایده شیطان است که می خواهد از این طریق به کسانی که ایمان آوردند، صدمه بزند. اگرچه، او نمی تواند برخلاف خواست خدا به آنها آسیبی برساند. مؤمنان باید به خدا اعتماد کنند.

وظیفه پیامبر

پیامبر بدون قرآن هم میبایست به یکتاپرستی دعوت میکرد زیرا یکتاپرستی یک عمل است نه حرف. باید پاشد و یکتاپرست شد در مرحله عمل نه حرف. در واقع خود پیامبر محمد درک کرده بود که این بتها فایده ای ندارند هنوز بیش از چند آیه نازل نشده بود که خدا او را به تبلیغ یکتاپرستی دعوت میکند (سوره مدثر). و حتی او میبایست خود را برای اینکار آماده میکرد و خدا ریاضتهایی برای او در نظر گرفته بود (سوره مزمل).پیامبر در طول ۲۳ سال قرآن به تدریح بر او نازل شد و به همین خاطر کتاب قرآن در طی ۲۳ سال کامل شد. زمانی که خیلی از احکام هنوز بر پیامبر نازل نشده بود در آن موقع وظیفه رسول هنوز تمام نشده بود و پس اصحاب میبایست در موارد جدید چشم به پیامبر بدوزند تا که باقی موارد بر او نازل شود. اما در زمان ما کتاب قرآن کامل است و مهمتر از همه این که پیامبر زنده نیست و تنها راه پیروی از پیامبر پیروی از کتاب اوست که همان قرآن است.

یک وعده یا دو وعده

خدای مهربان در ۳۳:۲۲ میفرماید:(۳۳:۲۲) ولما رءا المؤمنون الاحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله وما زادهم الا ایمنا وتسلیما(۳۳:۲۲) هنگامی که مؤمنان واقعی گروه ها را (آماده حمله) دیدند، گفتند": این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده اند و خدا و رسولش راستگو هستند ".این (موقعیت خطرناک) فقط ایمان آنها را قوی تر کرد و بر میزان تسلیم بودنشان افزود.در این آیه وعده ای از طرف خدا و رسولش به آنان داده شده بود مطمئنا وعده از طرف خدا بوده است ولی آنان میگویند که" این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده اند. " و در ادامه میگویند که " وصدق الله ورسوله. " این نشان میدهد که آنان وعده خدا را از طریق رسول دریافت میکنند به همین خاطر میگویند" ماوعدنا الله و رسوله. "و به این معنا نیست که خدا یک وعده داده است و رسول هم یک وعده. بلکه فقط یک وعده است.همچنین در ادامه میگویند " وصدق الله ورسوله. " میگویند که خدا و رسولش راستگو هستند در حالی که وعده از طرف خدا بوده است فقط از طریق رسول به ما رسیده است.با این حال زمانی که خدا میفرماید اطیعوا الله و اطیعوا الرسول به این معنا نیست که قرآن مربوط به خدا است و کتب حدیث و سنت هم

مربوط به رسول. بلکه رسول دارد منبع خدا را به ما معرفی میکند.آیا شکی باقی مانده است؟!!

بزرگترین آیه قرآن

آیه ۲:۲۸۲ بزرگترین آیه قرآن است که در حدود یک صفحه تمام جای گرفته است. این آیه بزرگ و طولانی راجع به نوشتن وصیت حرف میزند. حال شما توجه کنید خدایی که یک آیه طولانی و مفصل راجع به نوشتن وصیت ذکر میکند چطوری پیامبر به آیه عمل نمیکند و ارشادات و توضیحات و سنت خود را که توضیح دهنده و روشن کننده قرآن است را نمینویسد؟!!! و به دو سه قرن بعد موکول میشود.!! آیا این با عقل سازگار است!!؟۱- اطیعوا الله و اطیعوا الرسولدر آیه زیر خدا میفرماید:(۶۴:۱۲) واطیعوا الله واطیعوا الرسول فان تولیتم فانما علی رسولنا البلغ المبین(۶۴:۱۲) از خدا اطاعت کنید و از رسول اطاعت کنید. اگر شما روی بگردانید، پس تنها ماموریت رسول ما رساندن پیام است.خدای مهربان در این آیه اطاعت از رسول و اطاعت از خدا را بطور جداگانه ذکر میکند بطوریکه یکبار میگوید" اطیعوا الله "و بار دیگر میفرماید" اطیعوا الرسول. "دو تا اطاعت ذکر شده است. جالب این است که در ادامه میفرماید ":تنها ماموریت رسول ما رساندن پیام است".آیا این اتفاقی است که بعد از ذکر " واطیعوا الله واطیعوا الرسول "خدا بگوید که ":"تنها ماموریت رسول ما رساندن پیام است" آیا این اتفاقی است(۴۵:۶) تلک ءایت الله نتلوها علیک بالحق فبای حدیث بعد الله وءایته یؤمنون(۴۵:۶) اینها آیات خداست که ما به حقیقت بر تو می خوانیم. به کدام حدیث به غیر از خدا و آیاتش ایمان دارند؟۲- اقوام بدویخدای مهربان به پیامبر اعلام میکند آنچه را که نازل شده است برای آنان بیان کند. وصف نذیر مبین را برای رسول استفاده میکند. جالب است که این وصف را برای کتاب قرآن هم بیان میکند. به این طریق قرآن هم نذیر مبین است.همه میدانیم که پیامبر نوح در جامعه ای بدوی زندگی میکرد. شما در هیچ جای قرآن نمیتوانید یک آیه هم پیدا کنید که خدا به پیروان پیامبر نوح گفته باشد نماز بخوانید و یا حرف از کتاب آسمانی بزند. بلکه همین که آنان یکتاپرست میبودند کافی بود. خدا فقط از آنان میخواست یکتاپرست باشند. نماز و نزول کتاب بعدا از زمان پیامبر ابراهیم شروع شد.شما اگر سوره نوح را مطالعه کنید خیلی چیزها را متوجه میشوید. متوجه خواهید شد که نوح خود را نذیر مبین مینامد.(۷۱:۲) قال یقوم انی لکم نذیر مبین(۷۱:۲) او گفت": ای قوم من، من برای شما هشداردهنده ای آشکارکننده هستم.جالب است که در ادامه میفرماید" اطیعون. "و این خود نشان میدهد که اطاعت از پیامبر به چه معناست. در حالی که نه کتابی وجود داشت و حتی مردم هنوز کتابت هم بلد نبودند. ولی با وصف اینها نوح به مردمش میفرماید" از من اطاعت کنید. "در واقع اطاعت از او به معنای پرستش فقط خدا بود زیرا نوح آنان را به این کار دعوت میکرد.(۷۱:۳) ان اعبدوا الله واتقوه واطیعون(۷۱:۳") تا شما را هوشیار کنم که خدا را بپرستید، هیبت و حرمت او را ارج نهید و از من اطاعت کنید.۳- برای یک لیوان شیر نباید یک گاوداری با جنون گاوی خریدزمانی که خدا میفرماید کتاب قرآن کامل است باید به حرف او اعتماد کنیم زیرا او خالق ماست. او میداند که کتاب قرآن برای ما کافی است. اگر به حرف خدا اعتماد نکنیم آینده ناگواری در انتظار ما خواهد بود. پیامبر ابراهیم در خوابش احساس میکند که باید پسرش را قربانی کند و چون مخلص بود اینکار را انجام داد و خدا هم با هدیه بهتری جواب اخلاص او را داد. زیرا که او به خدا اعتماد کرده بود. بنابراین کسانی که کتب حدیث را قبول میکنند به این معناست که حرف خدا را قبول ندارند و عدم اخلاص خود را نسبت به خدا نشان میدهند.۴- قاعده ای عمومیممکن است عده ای بگویند که ما فقط از احادیث صحیح استفاده میکنیم. باید عرض کنم که شما حتی یک نفر را هم نمیتوانید پیدا کنید که اعلام کند از احادیث ضعیف استفاده میکند همه معتقدند احادیثشان قوی است. ولی با وصف این میدانیم که هر فرقه ای باز هم حرفهای خود را میزند.۵- اذیت خدا و رسولاگر آیه ۵۹:۴ را نگاه کنیم متوجه نکته زیبایی خواهیم شد.(۵۹:۴) ذلک بانهم شاقوا الله ورسوله ومن یشاق الله فان الله شدید العقاب(۵۹:۴) این به دلیل آن است که آنها با خدا و رسولش مخالفت کردند. خدا در اجرای مجازات برای کسانی که با خدا و رسول او مخالفت کنند، سخت گیرترین است.همانطور

که میبینیم خدا میفرماید " شاقوا الله ورسوله " و به این طریق خدا و رسول را بغل هم قرار میدهد. ابتدا از اذیت خدا و رسول صحبت میکند اما در ادامه میگوید " ومن یشاق الله. " این به این معناست که خدا پشت همه این قضیه هاست. در واقع مشرکین رسول را اذیت میکردند و این یعنی مخالفت با پیام خدا و در نتیجه یعنی مخالفت با خدا.پس وقتی که خدا میفرماید ار خدا و رسول اطاعت کنید منظورش دو منبع جداگانه نیست بلکه همه اش یک منبع است که بوسیله رسول به ما معرفی شده است.جالب است که در آیه ای دیگر (۸:۱۳) این جملات دقیقا به همانصورت تکرار شده است به جز اینکه در قسمت آخر آیه" ورسوله "اضافه شده است. حال شما دو آیه را با هم مقایسه کنید:(۵۹:۴) ذلک بانهم شاقوا الله ورسوله ومن یشاق الله فان الله شدید العقاب(۸:۱۳) ذلک بانهم شاقوا الله ورسوله ومن یشاقق الله ورسوله فان الله شدید العقابحال سوالی پیش میاید و این است که چرا در قسمت آخر آیه اولی رسول ذکر نشده است ولی در آیه دومی ذکر شده است همه چیز روشن است واقعا مشخص است که چرا خدا اسم رسول را پس از اسم خود ذکر میکند برای اینکه او رساننده پیام خداست و همه مسئولیتها بر عهده رسول است. همه چیزها دست خداست اوست که همه چیز را کنترل میکند.بنابراین میبینید خدا در آیه ۵۹:۴ رسول را ذکر کرده است ولی در ۸:۱۳ رسول را ذکر نکرده است و این بسته به حکمت خدای یکتاست.۶- تبلیغ اسلامزمانی که پیامبر اسلام را تبلیغ میکرد تعداد زیادی از اصحاب دیگر هم مشغول تبلیغ اسلام بودند زیرا خود پیامبر نمیرسید برای همه این مطالب را تکرار کند و علاوه برآن پیامبر وظیفه دیگری علاوه بر تبلیغ پیام خدا داشت و آن هم دریافت کلام خدا قرآن بود بطوریکه خیلی از وقت خود را صرف این مورد میکرد.کتابی کامل که آنچه را برای هدایت ما لازم است را داراست.کتاب قرآن علاوه بر آنکه دارای تمام احکام مورد نیاز ماست دارای مطالب یکتاپرستی است که به سبک خاصی در جاهای مختلف تکرار شده است. شما اگر خوب توجه کنید میبینید که اکثر مطالب قرآن به طرز خاصی از طریق داستانهای مختلف تکرار شده است تا کاملا رسا باشد. شما در تمام دنیا کتابی با این سبک نگارش نخواهید یافت. واقعا این کتاب برای کسانی که روی آن فکر میکنند و تدبر میکنند هدایت کننده است. اما کسانی که با پیشفرضهای ذهنی خود خو گرفته اند برای آنان فقط خسران است.همانطور که در آیه زیر میبینید کسانی دیگر هم همراه پیامبر در جاهای مختلف آیات خدا را برای مردم میخواندند. اگر پیام قرآن به تنهایی کافی نیست و احتیاج به تفسیر دارد پس چطوری پیامبر به دیگران اجازه میدهد آیات را برای مشرکین تلاوت کنند مگر همه مثل پیامبر مفسر قرآنند؟!!(۲۲:۷۲) واذا تتلی علیهم ءایتنا بینت تعرف فی وجوه الذین کفروا المنکر یکادون یسطون بالذین یتلون علیهم ءایتنا قل افانبئکم بشر من ذلکم النار وعدها الله الذین کفروا وبئس المصیر(۲۲:۷۲) هنگامی که آیات ما آشکارا برایشان خوانده می شود، پلیدی را در چهره کافران تشخیص می دهی. آنها نزدیک است به کسانی که آیات ما را برایشان می خوانند، حمله کنند. بگو": آیا می خواهید شما را به بسیار بدتر از این آگاه سازم؟ خدا دوزخ را به کسانی که ایمان ندارند، وعده داده است؛ چه سرانجام فلاکت باری ".پس پیامبر محمد علاوه بر دریافت قرآن به تبلیغ یکتاپرستی هم میپرداخت. او از خود حکم نمیساخت بلکه همه اش از طرف خدای یگانه بر او نازل میشد. او خود یکتاپرستی را درک کرده بود و مثل پیامبر ابراهیم خود راه راست را پیدا کرده بود و البته به این معنا نیست که او همه قرآن را میدانست. نه او چیزی از قرآن نمیدانست بلکه او براساس حس خداجویی خدا را یکتا یافته بود بنابراین یکی دیگر از وظایف پیامبر دعوت مردم به یکتاپرستی بود و بیدار کردن دلهای مردم بود. این موارد در سوره های مزمل و مدثر به خوبی توضیح داده شده است. در سوره مدثر به پیامبر اعلام میشود که پا شو. این دستور عملی است زیرا اعلام یکتاپرستی عملی است نه فقط حکمی ساده. از اینجا مشخص میشود که وجود پیامبر لازم بود. ممکن است عده ای بگویند که اگر پیام رسول فقط قرآن است پس بهتر بود که کتاب قرآن بیکباره نازل میشد و در آن صورت رسول لازم نبود!! این گروه هنوز نقش پیامبر را درک نکرده اند. متوجه نشده اند که اولین وظیفه پیامبر تبلیغ یکتایی خدا بود که بدون قرآن هم ممکن بود زیرا او به عنوان یک رسول این مورد را درک کرده بود و براساس میزان درک خود باید مردم را به آن فرامیخواند. متاسفانه این گروه هنوز نقش پیامبر را درک نکرده اند و همچنان

میخواهند از دستنوشته های قرن سوم و چهارم هجری پیروی کنند. کسانی که پیرو قرآنند پیامبر آنان محمد در سال ۵۷۰ میلادی زندگی میکرد اما کسانی که پیرو کتابهای خودشانند پیامبرشان در قرن سوم هجری زندگی میکرد.اما سوالی که پیش میاید آیا قرآن دارای نکات یکتاپرستی است یا نه؟جواب این است بله. بیش از نصف قرآن پر است از داستانهای پیامبران و اقوام گذشته که در جای جای قرآن به سبکهای خاص و متنوع تکرار شده است و این خود الگویی بسیار خوب است برای کسانی که میخواهند پاشوند و یکتاپرست شوند.۷- بررسی سندبعد مسلمانان سندها را بررسی میکنند علم رجال را بوجود آوردند. راجع به راوی حدیث قضاوت میکردند میگفتند که طرف دروغگوست یا نه؟ واقعا خیلی عجیب است شما چطوری به خودتان اجازه میدهید که پشت سر فرد مرده حرف بزنید و برچسپ دروغگو و راستگو به او بزنید؟ مگر فقط خدا نیست که از همه نهانها خبر دارد. ممکن است فردی در میان مردم خیلی برو بیا داشته باشد اما فردی شیطانی باشد و در جامعه ما مثل این افراد فراوان است. بدون اطلاع از نهاد درونی فرد شما چطوری قضاوت میکنید که او راستگوست یا دروغگو؟ آن فرد چیزی را که از اطرافیانش شنیده است برای راوی باز گو کرده است نه چیزی دیگر!. پیامبر محمد بدون وحی کلامی نمیگفت اما بدون وحی همه چیز در کتب حدیث یافت میشود (۴۵:۱۸). رسول هم باید طبق حکم خدا عمل کند اگر باور ندارید آیات زیر را نگاهی بیندازید:(۶:۱۹ و ۱۶:۸۹ و ۵:۴۸ و ۵:۴۵ و ۵:۴۷)من با اطمینان کامل به شما میگویم که کتب حدیث همان دین عوام است و همان دین آبا و اجدادی است.کتاب خدا که از هر جهت معجزه است را ول کرده و به دنبال دستنوشته های قرون اولیه افتاده اید!؟؟؟؟اگر شما تعریف حدیث صحیح را میخواهید به آیات زیر مراجعه کنید:(۳۹:۲۳ و ۳۱:۵ و ۷:۱۸۵ و ۴۵:۶)۸- با این بترسان(۶:۱۹) قل ای شیء اکبر شهدهْ قل الله شهید بینی وبینکم واوحی الی هذا القرءان لانذرکم به ومن بلغ ائنکم لتشهدون ان مع الله ءالههْ اخری قل لا اشهد قل انما هو اله وحد واننی بریء مما تشرکون(۶:۱۹) بگو": شهادت چه کسی بالاترین است "؟بگو": شهادت خدا. او میان من و شما شاهد است که این قرآن

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و

رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹